

چرایی ازدیاد تاریخ‌های روایتی از عاشورا

استاد تاریخ اسلام حوزه و دانشگاه با بیان اینکه چرا تاریخ‌های روایت‌گرا در مورد عاشورا زیادت‌ر شده است، گفت: دلیل این مسئله آن است که مردم کم سواد هستند و اهل مطالعه نیستند و نخبگان ما نیز کمتر به این موضوع توجه دارند.



استاد تاریخ اسلام حوزه و دانشگاه با بیان اینکه چرا تاریخ‌های روایت‌گرا در مورد عاشورا زیادت‌ر شده است، گفت: دلیل این مسئله آن است که مردم کم سواد هستند و اهل مطالعه نیستند و نخبگان ما نیز کمتر به این موضوع توجه دارند. رسول جعفریان به گزارش ایکن، حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان، استاد تاریخ اسلام حوزه و دانشگاه، شامگاه ۱۳ تیرماه در نشست علمی «عاشورا میان تاریخ و روایت» که از سوی کانون توحید برگزار شد با بیان اینکه متون تاریخی در مورد عاشورا از قرون دوم و سوم نوشته شده است که قدیمی‌ترین آن، ابی مخنف است، گفت: اثر محمد بن سعد در سال ۲۳۰، بلاذری، ۲۷۹ و مابقی منابع مانند مقاتل الطالبیین که مربوط به ۲۵۶ قمری است؛ طبری هم با اینکه ۳۱۰ قمری است متن عاشورای آن برگرفته از ابی مخنف متوفای ۱۵۷ است. شیخ مفید هم متوفای ۴۱۳ قمری در الارشاد به بحث عاشورا پرداخته است.

وی افزود: در قرن ششم هم آثار متعددی نوشته شد که معروف‌ترین آن مقتل خوارزمی در حدود ۵۰۵ قمری و رونویسی از کتب قبل است و کامل ابن اثیر و ... هم خلاصه آثار گذشتگان مانند طبری است که آن هم کتابچه ابی مخنف را با برخی اضافات آورده است. پس ما چند منبع اصلی مانند ابی مخنف، ابن سعد، اخبار الطوال دینوری (۲۸۰) و الفتوح و ... بیشتر نداریم.

جعفریان با اشاره به فرق روایت (نه حدیث) و تاریخ، افزود: دو نظر و فضا برای نگارش تاریخ داریم؛ یکی اینکه اصل وقایع را بدون هیچ گرایش تقریباً بنویسیم که واقع‌گرا به آن گفته می‌شود و نویسنده کمترین مطالبی از خود به آن می‌افزاید اما گاهی تاریخ تفسیری می‌گوییم یعنی حوادثی را انتخاب و گزینش کرده و پیوند آن را تحلیل می‌کنیم.

استاد حوزه و دانشگاه افزود: برخی معتقدند ما هر چه داریم روایت است و اصلاً تاریخ واقع‌گرا نداریم؛ مثلاً مشرکین مکه اگر مانده بودند و می‌خواستند در مورد پیامبری تاریخ بنویسند که او را قبول ندارند چگونه می‌نوشتند؟ حتماً می‌گفتند این پیامبر (ص) ساحر و کذاب است و رفتار خوبی با ما ندارد. برخی هم می‌گویند ما هر چه داریم تاریخ است نه روایت و البته تاریخ را هر کسی از زاویه فکر و سلیقه خود می‌گوید و البته باز تاریخ گذشته است.

جعفریان اضافه کرد: نگاه سومی هم بینابین است که می‌گوید تاریخ، ترکیبی از تاریخ واقع‌گرا و روایتی و داستانی است؛ مثلاً برخی مورخان وقتی در مورد رضاشاه نوشته‌اند چشمشان را بر روی زمین خواری و فساد او بسته‌اند و از امنیتی که او در کشور ایجاد کرد دفاع کرده‌اند و مورخ دیگری ممکن است چشمش را بر روی امنیت ببندد و فقط از فساد او بگوید.

این پژوهشگر تاریخ با بیان اینکه اگر ما شیعه متعصب یا اهل سنت متعصب باشیم طبیعتاً مطالبی در تاریخ انتخاب خواهیم کرد که با گرایش فکری ما هماهنگی بیشتری دارد، اظهار کرد: این هوشیاری مردم است که وقتی تاریخ را می‌خوانند باید بفهمند که چه مقدار از مطالب تاریخی واقع‌گرا و چه مقدار داستان و ساختگی است و ما برای سلامت ذهن خود باید مقداری تخصص داشته باشیم. در تاریخ ما با جنسی از معرفت روبرو هستیم که روایت در ذات آن وجود دارد. تفاوت روضه و واقعیت

وی افزود: بنده در مورد روضه همیشه این تأکید را دارم که اگر مخاطب بداند که این مطالبی که بیان می‌شود یک روضه و هنر است اشکالی ندارد ولی اگر خیال کند همه این‌ها در واقعیت رخ داده است ایراد دارد؛ ما بدون هنر و روایت و حکایت نمی‌توانیم زندگی کنیم ولی مهم این است که مرز آن را با واقعیت بدانیم. در یک مجلس روضه شنیدم که گفت حضرت علی اکبر (ع) هر روز در مدینه سفره می‌انداخت و ۴۰ نفر بر سر سفره او می‌نشستند و وقتی از او منبع خواستیم درمماند.

جعفریان با بیان اینکه اگر روضه و تاریخ و داستان، پیام مذهبی و اخلاقی دارد می‌پذیریم که این‌ها وقت می‌گذاریم یک فیلم را می‌بینیم با اینکه می‌دانیم مقدار اندکی از آن واقعیت است، تصریح کرد: داروبن به اسم زیست‌شناسی یک نظریه علمی را گفت ولی وقتی وارد تاریخ شد ده‌ها مورخ نظریات داروبنی برای اروپا دادند و همین مسئله سبب درگیری گسترده در قالب دو جنگ جهانی شد و حتی قصد داشتند پای ایرانیان را هم با مطالبی چون نژاد آریایی و ... به آن بکشانند که تا حدی هم موفق شدند.

استاد تاریخ دانشگاه تهران با بیان اینکه در نوع علوم انسانی و اجتماعی هم ما با پیش‌فرض سر و کار داریم که البته به معنای نادرست بودن آن نیست، گفت: متون تاریخی که در چارچوب ایدئولوژیک نوشته می‌شود، همه برای گمراه کردن بوده است ولو

اینکه فرض آنان مبارزه با سرمایه داری و دفاع از کارگر مانند تفکر مارکسیستی بوده است؛ بنابراین روایتگری مساوی داستان نویسی نیست و کاری نیمه علمی نیمه سیاسی است و دنبال آن است که مخاطب با شکوه و عظمتی آشنا شود لذا گاهی چشم بر روی یکسری خرابکاری می بندد؛ بنی امیه وقتی اندلس را گرفتند خیلی به مردم آن جا ظلم کردند و چهره اسلام را در اروپا مخدوش کردند.

جعفریان ادامه داد: کار به جایی رسید که وقتی اولین بار قرآن در اندلس چاپ شد روی آن نوشته شده بود کتاب ترک ها؛ ولی امروز ما از عظمت مسلمین در صدر اسلام می گوئیم و از این واقعیات کمتر سخن می گوئیم؛ مغول هم ظلم و ستم زیادی کردند که به کنار ولی دنیای مدرنی را هم برای ما افتتاح کردند که هیچ کسی به آن اشاره نمی کند و الان تحقیقات نشان می دهد افق های جدیدی از سوی مغول با کمک متفکرین ایرانی باز شد. بنابراین ما در فهم تاریخ باید فرق بین تاریخ واقع گرا را با روایت درک کنیم.

پرهیز از افراط در روایتگری

جعفریان با بیان اینکه نخبگان جامعه باید حواسشان باشد که کجا ما در روایتگری افراط می کنیم، اظهار کرد: منابع اصلی در مورد عاشورا چند مورد بیشتر نیست که اشاره شد از جمله فتوح ابن اعثم (۵۹۶ در تایباد به فارسی ترجمه شد) که یک داستان است و البته جزء متون اصلی ما شده است؛ این کتاب سند و ارجاع مشخصی ندارد ولی همین کتاب سبب شد تا تعدادی از اهل سنت جذب شیعه شوند. اهل سنت تقریباً صد برابر ما و چند هزار کتاب دارند که مولدالنبی و همه هم قصه و داستان است و سر سوزنی از آن واقعی نیست ولی در جشن و ولادت آن را می خوانند؛ البته اهل سنت این مراسم را نداشتند ولی از قرن چهارم توسط شیعیان فاطمی باب شد و آن ها هم پسندیدند.

چرا تاریخ های روایتی از عاشورا زیاد شده است؟

وی با بیان اینکه چرا تاریخ های روایتگر در مورد عاشورا زیادتر شده است، اضافه کرد: دلیل این مسئله آن است که مردم کم سواد هستند و اهل مطالعه نیستند و نخبگان ما هم کمتر به این موضوع توجه دارند؛ فردی که روی منبر است و حرف می زند مطالب خودش را از کدام منبع و ماخذ گرفته است؟ روزی خلیفه دوم برای نماز رفت و دید تمیم الداری در مسجد مردم را موعظه می کند و از او پرسید که چه برای مردم می گوئی و او گفت من قصه های دینی و تاریخی برای مردم می گویم و عمر از او حمایت کرد و شغل قصه خوانی در مدینه رواج یافت و تا زمان معاویه هم وجود داشت که امروز به آن اسرائیلیات می گوئیم.

وی اضافه کرد: حضرت علی(ع) و امام مجتبی(ع) به شدت با این کار مخالفت کردند ولی بنی امیه و معاویه آن را رواج دادند و کم این قصه ها در مورد تاریخ صدر اسلام هم بیان شد. کار به جایی رسید که وقتی یک قصه گو نزد محدث می رفت که یک حدیث از پیامبر(ص) بگو او امتناع می کرد و می گفت من یک سطر حدیث بگویم تو آن را به یک زراع تبدیل می کنی و داستان سر هم می بافی ولی این ها بین مردم محبوب شدند.

جعفریان با بیان اینکه شیخ عباس قمی اولین کسی است که فهمید کلاه بر سر شیعه رفته است، گفت: ایشان معتقد بود مقتل اصلی عاشورا فقط مطالب تاریخ طبری است که از ابی مخنف گرفته است و این کتاب دست شیعیان نبود و امروز هم یک نسخه کامل در دست نیست؛ کتب اصلی کنار رفت و فتوح ابن اعثم جای آن را گرفت که فقط داستان در مورد عاشورا بود. این کتاب روایی زیبا و داستانی است که حوادث را از خلفا شروع کرده است تا معتصم عباسی که پر از غلط است؛ یک سند در این کتاب نیست ولی ابی مخنف همه مطالب خود را مستند کرده است.

جعفریان با اشاره به ویژگی فتوح، اضافه کرد: تقریباً نصف این کتاب که اهل سنت حنفی آن را چاپ کرده اند در مورد عاشورا است و جزئیاتی دارد که هیچ کجا نیست؛ اعدادی مطرح کرده است که جای تعجب است؛ وصیتی از ابن حنفیه به امام حسین(ع) دارد که فقط در این کتاب بیان شده است.

وی در پایان افزود: کتاب فضای خیلی قدسی دارد؛ ما حرف قدسی قرآن و متصل به معصوم(ع) را قبول داریم و غیر آن را را خیر. این کتاب خیلی شیعه است آن هم از مدل کوفی. ۱۳۴ صفحه کتاب در مورد عاشورا است. فتوح منبع کتب بعدی ما شده است و روایات لهوف هم نزدیک به همین کتاب است و علت این است که قصد داشتند اشک از مردم بگیرند. رجزها در این کتاب گاهی تا ۲۰ بیت است در حالی که در منابع واقعی یکی دو بیت بیشتر نیست.